

تختخواب شهر سودوم

صفحه ۱۵ <

کسانی وجود دارند که می گویند: خوب ما راه حل دو دولت را می پذیریم زیرا که واقعی تر است اما بعد از پیاده کردن آن تلاش خواهیم کرد که هر دو دولت فروپاشیده شوند و یک دولت مشترک به وجود آید.

برای من این منطق هم کاملاً مورد توافق است و من خودم امیدوارم که در مسیر گذشت زمان، فدراسیونی از هر دو دولت به وجود آید و رابطه میان هر دو دولت با هم تنگ تر و با قوام تر شود. همچنین امیدوارم که یک اتحاد منطقه ای به مانند اتحادیه اروپا به وجود آید که تمامی دولت های عربی و اسرائیل، شاید هم ترکیه و ایران، در آن عضو باشند. اما در ابتدا ما باید این زخمی را مداوا کنیم که همه ما از آن رنج می بریم: منظوم اختلاف اسرائیلی/ فلسطینی است. البته مداوا به هیچ وجه مداوای موقتی و یا تختخواب سودوم نخواهد بود بلکه داروی آن باید حقیقی و بر مبنای تشخیص واقعی مرض باشد.

در بخش ۱۸ کتاب مقدس (گنسیس) آمده است که ابراهیم تلاش کرده است خداوند را متقاعد کند که شهر سودوم را از بین نبرد و از وی می پرسد که اگر ۵۰ آدم عادل هم در آن شهر وجود داشته باشند آیا باید این شهر را همچنان نابود نمود؟ آیا بهتر نیست به خاطر زندگی آن ۵۰ انسان عادل از گناهان این شهرگذشت؟ خداوند به ابراهیم قول می دهد اگر واقعا ۵۰ نفر انسان عادل را بتوان در این شهر پیدا نمود او این شهر را نابود نخواهد نمود. ابراهیم با تمام وجود تلاش می کند بر سر تعداد این انسانها با خداوند چانه بزند و تعداد را در ابتدا ۴۵ و بعد ۲۰ و بعد تا ۱۰ انسان عادل در شهر پائین می آورد. اما در شهر سودوم حتی ۱۰ انسان عادل نمی یابد و این چنین بود که سرنوشت آن شهر به نابودی رغم خورد.

من اعتقاد دارم که در اسرائیل خیلی خیلی بیشتر از ۱۰ انسان عادل وجود دارد. تمامی همه پرسى ها نشان می دهند که اکثریت اسرائیلی ها نه تنها صلح می خواهند بلکه آماده اند برای این صلح قیمت بپردازند. اما آنها می ترسند. اعتماد آنها از بین رفته است. آنها زندانی خود و اعتقادات به آنها تلقین شده دوران بچگی شان می باشند. آنها باید از این ترس ها رها بشوند و من اعتقاد دارم که این مسئله اتفاق خواهد افتاد. □

در نیمه راه
ونه بحران!

صفحه ۷ <

«روشنگری» و «گفتمان سازی» یک نیروی سیاسی اپوزیسیون همراه است با مشارکت دائمی و روزمره آن در تحولات جامعه و همراه با مردم. چنین تجمع سیاسی یا حزب است یا اتحادی است از احزاب، نهادها و فعالین سیاسی منفرد. من قبلاً در چند نوشته طرح خود را در رابطه با سامان یابی «جدل» ارائه کرده‌ام (مراجعه شود به مقالات من در مورد امر سازماندهی «جدل» در سایت صدای ما / بخش آرشیو). به نظر من «جدل» اتحادی است از همه فعالین دمکرات و چپ و سازمانهای سیاسی.

شرایط سیاسی در ایران متحول است. نارضایتی عمومی روزبروز بیشتر می شود و سرکوب حکومت روزبروز خشن تر. در درون جامعه جنب و جوشی درکار است و علیرغم شدت سرکوب، نیروی مقاومت مردم نیز روزبروز بیشتر شده و درتلاش برای سامان دادن به خود است. اپوزیسیون دمکرات و چپ خارج از کشور از نیرو و توان مناسبی برای شکل دادن به یک بدیل جمهوری خواهی دمکرات و لائیک، در همراهی با یاران خود در داخل کشور برخوردار است. تعلل در این زمینه نادرست است. «جدل» با بحران مواجه نیست. «جدل» در نیمه راه به دلیل اختلافات نظری متوقف شده است. باید تعلل را کنار گذاشت، اختلافات نظری را حل کرد و راهی گشود. باید زمینه مشارکت همه جمهوریخواهان دمکرات و لائیک در هر فرم و ساختاری را فراهم کرد و جویبارهای کوچک را به رودخانه‌ای بزرگ تبدیل کرد.

چهار سال پیش، بعدازظهر روز یکشنبه ۶ ژوئیه ۲۰۰۳، روز پایانی اجلاس سمینار «مردم سالاری و جمهوری لائیک در ایران»، در فضای سالن پرسشی موج میزد: «چه باید کرد؟». پاسخ همه یکسان بود: «باید گردهم آمد». آن زمان کسی نمی دانست که چگونه گردهم خواهیم آمد و نقشه‌ای در کار نبود. از آن زمان چهار سال می گذرد. بسیاری دیگر به این خواست پیوستند. طرح هایی ارائه شد، تلاش هایی صورت گرفت. امروز تجاربی به دست آمده است. راه باید ادامه پیدا کند. هدف همان است که بود: «طیف گسترده ای از آزادیخواهان دمکرات و لائیک گرد هم آیند».

۲ تیر ۱۳۸۶ / ۲۳ ژوئن ۲۰۰۷

اتحاد جمهوریخواهان ایران،
یک اتحاد غیر سیاسی؟

صفحه ۹ <

آن چه که در نوشته دوستان غایب است همین تشخیص و تعریف درست «مشکل» است. اگر «ادعای این نوشته آن است که ساختار کنونی "اجا" و در نتیجه، انسجام سیاسی و سازمانی آن، رقیق تر از آن است که بتواند از عهده مشکلات "اجا" برآید»، اولاً این ادعا هم مثل ادعاهای دیگر این نوشته پا در هواست و معلوم نمی کند منظور از رقیق بودن چیست و کجای ساختار است که باید غلیظ شود تا «در نتیجه انسجام سیاسی و سازمانی» هم غلیظ تر شود. ثانیاً مگر ما قرار بود سازمانی آهین درست کنیم که امروز از رقت سازمانی می نالیم. اظهار نظر هائی از این نوع که «به دلیل درجه پائین انسجام سیاسی و سازمانی، اتحادجمهوری خواهان نه می تواند مشکلات خود را به درستی تعریف کند و نه می تواند اراده سیاسی لازم را برای حل آن مشکلات بوجود آورد»، بدون آن که روشن شود کدام اراده سیاسی منظور است و کجا توانسته است بوجود بیآورد، فقط به درد آن می خورد که دوستان امضا کننده نتیجه بگیرند که «یک راه حل آن است که فراکسیون های واقعی درون "اجا" تشکیل شوند که از حداقلی از انسجام برخوردار باشند، آن فراکسیون ها به دلیل انسجام بالاتر قادر خواهند بود اراده سیاسی (لازم) را تولید نمایند و غیره».

همه راه ها به رم ختم می شوند

تشکیل فراکسیون ها، به عنوان «یک راه حل» و نه تنها راه حل، الزاماً به معنی درجه بالائی از انسجام نخواهد بود. فراکسیون ها در عین حال می توانند به ایجاد قطب هائی منجر شوند که نیروی گریز از مرکز و انسجام مورد نظر شما در آن ها بسیار قوی تر است. وقتی که برای امضاکنندگان این نوشته، اقلیت و اکثریت یک «بازی» است، تنظیم رابطه این فراکسیون ها در ارگان های تصمیم گیری بدون استفاده از روش رای گیری، بسیار مشکل تر از وضعیت فعلی خواهد بود که به بازی اقلیت و اکثریت گردن نهاده می شود.

دوستان عزیز، «انباشت توانائی ها» با ادعا صورت نمی گیرد. برای این انباشت باید کار با برنامه صورت بگیرد. بسیار آسان است که نقد ما فقط به ایراد گرفتن و نفی و انکار کار حداقلی منحصر بشود که تحت نام "اجا" صورت می گیرد. بدون این نوع برخورد ها نیز می توان به فکر شکل دادن به فراکسیون ها بود و در آستانه همایش نسبت به کارنامه خود و دیگرانی که در صفوف این اتحاد و برای اعتلای آن تلاش کرده و می کنند، برخورد مسئولانه تری کرد و برای مشکلات آن راه حل ارائه نمود. ارتقاء درجه پائینی از فعالیت به درجه بالائی از آن، خود هنری است که ما، همه ما، محتاج آموزش آن هستیم. □